

گالری جهان

نیویورک‌پست؛ امریکا برد



اتفاقی که در بازی اول دو تیم انگلیس و امریکا در جام جهانی افتاد، شاید از نظر امتیازبندی و قوانین بازی، یک امتیاز داشت اما آنقدر مهم بود که روزنامه‌های امریکایی از آن تعبیر به برد کنند. مسالوی تیم ملی فوتبال انگلیس و امریکا برای طرف انگلیسی فاجعه بود. سابقه فوتبال، سابقه قهرمانی، سابقه ستاره‌ها، سابقه مربی و… به کنار، اشتباه بچگانه و خانمان‌برانداز روبرت گرین، دروازه‌بان انگلیس، شاید باعث شود تیم ملی این کشور صدرنشین گروه نشود، در عوض بخت امریکایی‌ها برای نشستن در صدر باز شود. نیویورک‌پست روزنامه امریکایی تمام‌صفحه در اختیار بازی اول امریکا در جام جهانی است و در زیر تیتر می‌نویسد: «این اولین شوک جام جهانی بود.» یک امتیاز ارزشمند امریکا مقابل انگلیس برای دست‌کم یک روز، روزنامه‌های امریکایی را از سوزِ فاجعه زیست‌محیطی خلیج مکزیک و فشار بر بریتیش پترولیوم خلاص کرد. در صفحه اول نیویورک‌پست که خبری از آلودگی نفتی آب‌های جنوبی نیست.

واشنگتن‌پست

در گیری‌های قومی در قرقیزستان

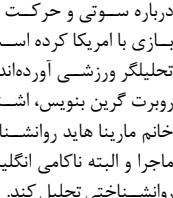
بی‌مقدمه قرقیزستان شد عکس و خبر یک بسیاری از رسانه‌های دنیا. عکس یک واشنگتن‌پست تعدادی از آوارگان قرقیزی در نشان می‌دهد که مجبور شده‌اند خانه‌هایشان را ترک کنند و منتظر نشست‌اند تا ارتش به نمایندگی از دولت تکلیف‌شان را روشن کند. درگیری در جنوب قرقیزستان، با یورش قوم ازبک به قرقیز در شهر اوش شروع شد. قوم ازبک با رئیس دولت انتقالی مشکل دارد. همان‌طور که آب قرقیزها با رئیس‌جمهور مخلوع توی یک جوی نمی‌رفت و همین باعث برکناری‌اش شد. بیش از ۱۰۰ نفر کشته شده‌اند و صدها نفر هم مجروح هستند. روزنامه واشنگتن‌پست با تیتر «امیدواری به تیم هاوارد»، به مسابقات جام جهانی آفریقای جنوبی هم توجه می‌کند. این روزنامه نتایج مسابقات را در نیم‌تای دوم خود کار کرده است. تیم در گزارشی، کیفیت دروازه‌بانی ملی امریکا، تیم هاوارد را مقابل مهاجمان انگلیسی ستایش می‌کند. خبرهایی از تصمیم‌های جدید اوایما برای رفع معضل بریتیش پترولیوم هم در صفحه اول واشنگتن‌پست دیده می‌شود. روزنامه‌های چاپ واشنگتن نسبت به دیگر مناطق امریکا توجه بیشتری به فاجعه زیست‌محیطی خلیج مکزیک و جنوب امریکا دارند.

وال‌استریت ژورنال؛ فرار از قرقیزستان

داستان قرقیزستان صفحه اول بسیاری از روزنامه‌ها جهان را تحت تأثیر قرار داد. عکس یک وال‌استریت‌ژورنال (نسخه اروپا) وحشتناک است و بیش از هر عکس و خبر دیگری تأثیر گذار. عکس، تعدادی مرد قرقیز را نشان می‌دهد که زمین را می‌کنند تا جنازه‌ها را دفن کنند. قرقیزستان این روزها نارام و ناامن است. می‌گویند ۸۰ هزار نفر آواره شده‌اند و از خانه‌هایشان فرار کرده‌اند. نیم‌تای نخست روزنامه‌ای اقتصادی چون وال‌استریت‌ژورنال متوجه قرقیزستان و خبرهای است، صفحه اول این روزنامه تقریباً عاری از هرگونه خبر، گزارش یا تحلیل اقتصادی است. وال‌استریت‌ژورنال در ستون سمت چپ صفحه اول خود، بخشی دارد به نام پیشنهاد سردبیر. سردبیر گزارشی از وضعیت امروز غزه و فاجعه‌ای که برای کشتی آزادی غزه افتاد، را به خوانندگان پیشنهاد می‌دهد. گزارش خبری کوتاهی هم درباره درگیری کلامی سران بریتیش‌پترولیوم و شرکت‌های وابسته انگلیسی و امریکایی در نیم‌تای دوم وال‌استریت‌ژورنال دیده می‌شود. جالب است که وال‌استریت‌ژورنال در صفحه اول خود هیچ خبری از جام جهانی و مسابقات روز و نتایج‌اش کار نکرده است.

کاردین؛ خب آقای گرین…

روبرت گرین، دروازه‌بان تیم ملی فوتبال انگلیس، عکس یک روزنامه گاردین است. او یک‌کنه یک امتیاز به امریکایی‌ها داد تا آرزوهای یک ملت بر باد رود و در عوض ملتی دیگر مدعی شود. گاردین کار جالبی



درباره سوتی و حرکت بچگانه دروازه‌بان انگلیس در بازی با امریکا کرده است. اگر فکر می‌کنید آنها یک تحلیلگر ورزشی آورده‌اند و به او گفته‌اند مطلبی درباره روبرت گرین بنویس، اشتباه می‌کنید. گاردین کار را به خام مارینا هاید روانشناس سپرده و از او خواسته این ماجرا و البته ناگامی انگلیسی‌ها را در بازی اول از منظر روانشناختی تحلیل کند. هاید می‌نویسد: «خب آقای گرین حالا دراز بکش روی صندلی و درباره آن توپ لعنتی بگو…» او در پی دور کردن احساس شکست از جامعه فوتبالی و غیرفوتبالی انگلیس و ادامه راه است. گاردین در صفحه اول خود گزارشی اختصاصی هم دارد؛ گزارشی با موضوع اختلاف میان آن چیزهایی که پزشکان در دانشگاه‌ها و کالج‌ها دربارهٔ معالجه و درمان بیماران یا علل مرگ‌شان می‌آموزند و آن اتفاقاتی که خارج از دامنهٔ دانشنی‌هایشان می‌افتد و باعث مرگ و میر یا درمان بیماران می‌شود.

گزارشی یک

جلد نازک‌ها چگونه بازار را تسخیر کردند

کتاب به قیمت ۱۰ نخ سیگار

ترجمه: عباس زندیاف

داستان چاپ نخستین کتاب‌های جلد نازک یا به قول اهل فن جلد شمشیز پنگتون شاید ساختگی بنماید اما داستان جالبی است. سال ۱۹۳۵ بود که آلن لین رئیس انتشارات مشهور بادل‌یه در انگلستان برای گذراندن تعطیلات آخر هفته همراه آگاتا کریستی به دشت و دمن رفته بود. رکود اقتصادی شدیدی در آن سال‌ها جهان را فراگرفته بود و انتشارات بادل‌یه هم مانند بسیاری از موسسه‌های انتشاراتی دیگر اوضاع خوبی نداشت. لین هم‌گاه تاپ و تاپ سرپا نگه داشتن انتشارات بود. در ایستگاه اکستر منتظر قطار برگشت به لندن که بود به کتابفروشی‌ها سری زد بلکه کتابی خواندنی گیر بیارود. اما چیزی گیرش نیامد جز مشتی نشریات عامه‌پسند و داستان‌های مبتذل و مزخرف. در همان لحظه بود که ارشمیدس‌راو فریاد زد «یاقتم!» و با خودش گفت چطور است کتاب‌های وزین را به قیمت ارزان مثل قیمت یک پاکت سیگار چاپ کنیم و در جاهایی مانند ایستگاه‌های قطار عرضه کنیم؟ لین به دفتر انتشارات برگشت و پیشنهادش را مطرح کرد اما انتشاراتی بادل‌یه علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری نداشت. بنابراین لین خودش دست به جیب شد و انتشارات جدیدی به نام پنگتون تأسیس کرد. نام انتشارات را یکی از منشی‌ها پیشنهاد کرده بود. لین فوری یکی از کارمندان جوان را برای کشیدن طرحی از پنگتون به باغ‌وحش فرستاد و حق بازچاپ ۱۰ عنوان کتاب جدی حوزه ادبیات را خریداری کرد. برای فروش کتاب‌ها نیز سراغ مشتریانی غیر از کتابفروشی‌ها رفت. لین وقتی توانست از فروشگاه‌های زنجیره‌ای وول‌وورث ۳۲۵۰۰ جلد سفارش بگیرد، متوجه شد بر کسب و کار بازارش دست گذاشته است. کتاب‌های جلد نازک لین ارزان بودند. دو و نیم پنی یا به قول تبلیغات پنگتون به قیمت ۱۰ نخ سیگار. تعداد فروش برای رسیدن به سود اهمیت کلیدی داشت.

پنگتون یک ۱۷ هزار جلد از هر کتاب را می‌فروخت تا سود و زیان سر به سر شود. ۱۰ عنوان نخست پنگتون شامل ماجرای اسرارآمیز در استایلز نوشته آگاتا کریستی، وداع با اسلحه نوشته ارنست همینگوی و دلخوری در باشگاه بلونا نوشته دوروتی سایرز فروش بسیار خوبی داشت و پنگتون فقط پس از یک سال فعالیت بیش از سه میلیون جلد کتاب فروخت. طرح‌های گرافیکی روی جلد پنگتون نقش مهمی در موفقیت این انتشارات داشت. پنگتون برخلاف سایر انتشارات که در روی جلد به عنوان و نویسنده کتاب حالت چشم‌گیری می‌دادند به برد اهمیت می‌داد. روی جلد کتاب‌ها حرف ساده و گویا و نشانگرهای رنگی (تارنچی به نشانه‌دانش بودن کتاب، آبی تیره برای زندگینامه) درج شده بود که در کنار طرح پررنده معروف و بانک پنگتون می‌آمدند. همین نمای

منبع: www.smithsonianmag.com

کیهان، اطلاعات ۵۰ سال پیش

عکس یک کیهان، تظاهرات خونین دانشجویان ژاپن

را نشان می‌دهد که این کشور را به سوی انقلاب کشانده است و خبر اول مربوط به همین واقعه است. مشکل هواپیمای ایران از همان زمان‌ها وجود داشته است. ببینید: «در مهرآباد، یک جت آتش گرفت و خلبان نجات یافت». یک قرن و نیم بعد سرانجام راهایی از شر دیکتاتوری: «بزرگ‌ترین اعتصاب عمومی فرانسه پس از ناپلئون. «عکس بزگی از تظاهرات یک و نیم میلیون نفری کارمندان فرانسوی چاپ شده و در توضیح آمده این تظاهرات سیستم کشور را فلج کرده است: «این تظاهرات انسان را به یاد تظاهراتی می‌اندازد که کارگران فرانسه در سال ۱۸۱۰ به راه انداختند. ناپلئون خطاب به کارگران گفت: خوشم باشد. شنیده‌ام که تقاضای ۱۸ فرانک اضافه مزد کرده‌اید. حتی بعضی از شما بی‌شرمی را به آنجا رسانده‌اید که ۲۴ فرانک اضافه‌تر خواست‌اید. اگر از این اعمال خود دست نکشید، فوراً توقیف می‌شود و هر گز اجازه نخواهید داشت و بداندید دیناری به حقوق‌تان اضافه نخواهد شد.» اکنون یک قرن و نیم از آن روزها می‌گذرد و کارمندان اعتصابی نباید نگران از دست دادن شغل خود باشند. معلوم نیست واقعا ناپلئون لفظ دینار را به کار برده است یا نه، اما در متن کیهان

وبلاگ

امیدوارم خاکستری‌ها قهرمان شوند

ترجمه: نازیم شیخیا

هفته پیش در خانه یکی از دوستان قدیمی‌ام بودم. ما درباره موضوع روز بغداد یعنی تأخیر در فرم‌بندی دولت جدید عراق صحبت می‌کردیم. همسر دوستم وارد بحث شد. او که مسلمان است که پسرعمویش را در دولت صدام از دست داده، نه در هیچ حزبی است و نه خوشحال است. او گفت دولتی را ترجیح می‌دهد که ورای حزب‌بندی‌ها نگاه کندمن به یاد پرسشی که سال‌ها پیش مادرم از پدرش پرسیده بود، افتادم: «چرا اکثریت دولت ما را همیشه گروه خاصی تشکیل می‌دهند؟» پدربزرگ من که در زمان عراق تاجر بنامی بود، با حوصله جواب داد: «در بین مسلمانان عراق قانون نانوشته‌ای وجود دارد که طبق آن سنی‌ها اکثر به امر دولت و ارتش مشغولند، در حالی که مزرعداری و صنایع دستی هنر شیعیان است.» به نظر می‌رسد این روشی بوده که تاده‌ها کار می‌کرده اما با ظهور طبقه روشنفکری از دکترها، مهندسان، وکلا و معلم‌ها خاکستری به وجود آمد که به یک حزب و مذهب خاص تعلق نداشت. در سال ۱۹۷۹، درست زمانی که صدام حسین قدرت کامل را از آن خود کرد، مانند دیگر جنبه‌های زندگی عراقی تعادل از هم پاشید. بیشتر از قبل منطقه خاکستری تقلیل پیدا کرد. او حتی حقوق اولیه تمام شهروندان به هر حلقه محدود جنسپارانش و کسانی که به او سود می‌رسانند را قطع کرد. روزی بعد از یورشی که باعث سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ شده بود، در حال آب دادن باغچه بودم که همسایه بسیار قدیمی‌ام به من نزدیک شد. او درباره صحبت‌هایی که اخیراً با محوریث «اختلاف انداختن بین مسلمانان» منتشر

روزنامه

عکس یک بازگشت به خانه.



«بازگشت به خانه» شعار تکراری و همیشگی سیاستمداران انگلیسی در طول تاریخ جنگ افغانستان بوده؛ چه از سوی چپ‌ها و چه از سوی راست‌های تازه‌کار. دیوید کامرون نخست‌وزیر تازه‌کار بریتانیا هفته گذشته راهی افغانستان شد تا از وضعیت سربازان انگلیسی آگاه شود. او به جنوب افغانستان و منطقه هلمند سفر کرد؛ خوفناک‌ترین منطقه جنگی افغانستان؛ جایی که طالبان برای خارجی‌ها مین کاشته‌اند و هلمند را به کشتارگاه تبدیل کرده‌اند. تسلط طالبان بر جنوب افغانستان و هلمند واضح است و خارجی‌ها هر چه کرده‌اند نتوانسته‌اند کار را در دست بگیرند. سرباز انگلیسی پایگاه نظامی باسیتون با دستگاه مین‌یاب به نخست‌وزیر روش کشف مین‌ها را آموزش می‌دهد. دیوید کامرون اولین بار بعد از نخست‌وزیری راهی افغانستان شده و در میان نظامیان، همان شعار تکراری و همیشگی را مطرح کرده: «برنامه‌ای در دست بررسی داریم تا شما را هرچه سریع‌تر به خانه‌هایتان بازگردانیم.» او و وزیر دفاع کابینه تصمیم گرفته‌اند تعداد نیروها را در افغانستان کم کنند. هنگام سفر نخست‌وزیر به افغانستان و حضورش در هلمند شایع شد طالبان قصد دارد هلی کوپتر حامل او را منفرج کند. اتفاقی برای نخست‌وزیر نیفتاد و او سلامت به خانه بازگشت. افغانستان باتلاق نیروهای خارجی است. سربازان انگلیسی و دیگر نظامیان امیدی ندارند سالم به خانه‌هایشان بازگردند.

عکس: کتی ایمیجز

پشه در هر ثانیه، ۵۸۷ بار بال می‌زند

فرنوش آباء

محمدحسین شمشیری. آدرس: سبزه‌میدان.

اظهارات، بیست و ششم خرداد ۱۳۳۹

«دولت زاین، سفر آیزنهاور را صلاح ندانست.» جلسه فوق‌العاده کابینه زاین: «بامداد امروز تصمیم گرفته شد از آیزنهاور بخواهند تا مسافرت خود را به تعویق اندازد، شهر توکیو میدان جنگ شد و عمارت پارلمان در میان شعله‌های آتش قرار گرفت.» برای اولین بار در ژاپن سه نفر کشته و هزار نفر مجروح شدند. آنها فریاد می‌زدند: «کیشی را بکشید و قرارداد امنیت را پاره کنید.» عکس یک اطلاعات، تصویر هجوم مردم به سمت پارلمان ژاپن نشان را می‌دهد. با اجرای آیین‌نامه جدید اخذ جرائم رانندگی در محل: «از حرکت اتومبیل‌های سواری کرایه در شهر جلوگیری می‌شود.» «برق برای همه.» ۳۰ روز پس از پرداخت وام به بنگاه برق می‌توانید برای گرفتن نوبت مراجعه کنید: مدیرعامل بنگاه برق تهران. پیش‌بینی اطلاعات برای آیندگان: طی هشت سال آینده: «مصرف مواد غذایی، ۴۷ درصد افزایش می‌یابد.» صرف محصولات دامی بیش از محصولات کشاورزی افزایش می‌یابد. در صفحه شهرستان‌ها می‌خوانیم: «تا چند روز دیگر خرید گندم در خوزستان و گرگان آغاز می‌شود.»

مجید یوسفی

- یک روز پس از مصاحبه تلویزیونی رئیس‌جمهوری و اظهارنظر او پیرامون مسائل اجتماعی زنان روزنامه کیهان با تیتر «آقای رئیس‌جمهور! از شما انتظار دیگری بود» در یادداشت خود واکنش تندی به آن نشان داد. کیهان نوشت: «آقای رئیس‌جمهور اولاً وقتی معروفی در حال خدشه و فراموشی می‌متنکری در حال غلبه است، امر به معروف و نهی از منکر تکلیف است و نمی‌توان با این توجیه که معروف، معروف نشده، دست از امر به معروف و نهی از منکر کشید. ضمن اینکه برای اکثریت قاطع ملت ایران حجاب و عفاف یک معروف مسلم و بدجوابی و بی‌عفتی، یک منکر بزرگ است.

ثانیا کار فرهنگی و ارشادی تناقضی با برخورد با مفاسد اخلاقی و اجتماعی منجاره‌انه ندارد و به‌سه نام کار فرهنگی نمی‌توان اجرای قانون و پاسداری از مرزهای امنیت اخلاقی و عفت عمومی را تعطیل کرد یا پاسداران این مرزها را نکوهش نمود. اگر هم در اجرای قانون خطا و خللی دیده شد نمی‌توان اصل قانون را تعطیل کرد و از مجریان و ضابطان خواسته به خاطر آن خطاها، اساساً تکلیف و مسوولیت خود را تعطیل کنند. ثالثاً تجاهر و تظاهر به فساد در خیابان -حریم عمومی- با حریم خصوصی متفاوت است. کسی نمی‌تواند از حریم خصوصی افراد سوال کند، اما اگر عناصر قانون‌گریز و هنجارشکن اصرار بر ارتکاب بزه‌های اخلاقی و اجتماعی کردند، نه‌تنها بازخواست که در چارچوب قانونی باید مجازات هم کرد. رابعاً برخورد با این‌جنایه‌های سازمان‌یافته اتفاقاً از جمله مسوولیت‌های حاکمیتی دستگاه‌های دولتی است و این بیان که ما دخالتی نداریم، نه‌تنها رافع مسوولیت نیست بلکه خدمات و تلاش‌های

چهارشنبه ۲۶خرداد ۱۳۸۹

گالری جهان

نشان‌لینوز؛ اسرائیل نمی‌تواند فرار کند



صفحه اول روزنامه اماراتی نشنال‌لینوز چندان خبری نیست!ا تیتیر یک این روزنامه یادداشت- گزارشی است تحلیلی درباره فردی اسرائیلی که مظنون به دست داشتن در قتل محمود المبحوح است. او به لهستان فرار کرده و تحت تعقیب پلیس آلمان است. طرف برای ضارب پاسپورت آلمانی تهیه کرده است. به نظر می‌رسد دولت اسرائیل می‌خواهد ماجرا را پشت گوش بیندازد و از مسوولیت شانه خالی کند. مقتول از اتباع اماراتی است و به همین خاطر دادستان تیتیر یک روزنامه نشنال‌لینوز شده است. عکس یک روزنامه هم حادثه آتش‌سوزی در یکی از آپارتمان‌های شهر ابوظبی را دنبال می‌کند؛ مساله‌ای کاملاً داخلی. قرقیزستان و گزارش‌های آوارگی شهروندان این کشور در صفحه اول نشنال‌لینوز جایی ندارد. نشنال‌لینوز در نیم‌تای دوم خود گزارش بازم‌های دارد درباره بوق‌های کرکننده تماشاگران آفریقای در استادیوم‌های این کشور. صدای ممتد بوق (ووووو!) تماشاگران باعث آزدردی تماشاگران و دیگر حاضران غیرآفریقای ورزشگاه‌ها شده است و سر و صدای اعتراض‌شان را درآورده. آنها برای تحریم بوق‌ها در استادیوم بیانیه امضا کرده‌اند.

نشنال‌پست؛ ووووو لاها را تحریم کنید



بالاخره عکس و خبر مربوط به جام جهانی در صفحه اول روزنامه‌های چاپ کانادا هم منتشر شد. اگر فکر کنیم عکس و خبر مربوط به نتایج بازی‌ها و تحلیل برد و باخت‌ها و مساوی‌ها است، اشتباه کرده‌ایم. سوزه‌ای

که کانادایی‌ها را تحت تأثیر قرار داده، صدای اعصاب خردکن و کرکننده بوق‌ها در ورزشگاه‌های آفریقا است. نشنال‌پست دنبال این است که بداند سرانجام تکلیف تحریم ووووو لاها چه می‌شود. نه‌تنها تماشاگران که بازیکنان هم از صدای اعصاب خردکن بوق‌ها شکایت کرده و خواستار تحریم شده‌اند.

آنها گفته‌انداین صداها حتی بعد از بازی و هنگام خواب هم توی گوش‌مان است و مانع خوابیدن‌مان می‌شود. خبر درگیری‌های قومی- قبیلگی قرقیزستان هم در ستون سمت راست روزنامه کانادایی نشنال‌پست دیده می‌شود. منتها این روزنامه در تیتیر مربوط به این خبر از ورود نظامی روس‌ها به غالتی می‌گوید. دولت انتقالی از روس‌ها تقاضای کمک نظامی کرده و روس‌ها هم تعدادی از نظامیان چتربازشان را در فرودگاه قرقیزستان پیاده کرده‌اند.

چاینادیلی؛ طرفداران بدون مرز



تیتیر عکس روزنامه چاینادیلی بامزه و قابل توجه است: طرفداران بدون مرز. منظور گزارشگر روزنامه چاینادیلی این است که تماشاگران آفریقای، فقط برای فوتبال دیدن و البته بوق زدن به استادیوم‌ها می‌آیند و طرفدار همه تیم‌ها هستند. عکس یک چاینادیلی یکی از این طرفداران را نشان می‌دهد که پرچم اسپانیا، برزیل، استرالیا، آلمان، امریکا، فرانسه … را روی کلاش نصب کرده و از این اتفاق خوشحال است. او پرچم آفریقای جنوبی را روی صورتش نقاشی کرده است. تیتیر یک چاینادیلی درباره مسائل اقتصادی و ارزش واحد پولی این کشور است؛ یوان. مطلب به فشارهای خارجی می‌پردازد که بر اقتصاد چین وارد می‌آیند و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چاینادیلی در صفحه اول خود خبری دارد از درگذشت کارتونیسست مشهور چینی‌ها، هاوا جون‌وو. او به کشیدن کاریکاتور چهره‌های سیاسی چین مشهور بوده و در ۹۵سالگی درگذشته است. تیتیر اخبار مربوط به قرقیزستان هم در صفحه اول چاینادیلی دیده می‌شود.

لیبراسیون؛ ماشین سارکوزی



جام جهانی، پیروزی فلاندرها در بلژیک، فاجعه انسانی در قرقیزستان و البته تدارک سارکوزی برای پیروزی در عرصه سیاسی آینده فرانسه، محور خبرها و گزارش‌های صحنه است. لیبراسیون است. لیبراسیون در پرونده‌ای ویژه، داستان آفریقای جنوبی، اقتصاد این کشور و اوضاع و احوال جامعه‌شناسی‌اش را بررسی کرده و تیتیر «خارج از جام» را برایش برگزیده است. لیبراسیون در صفحه اول خود از پیروزی جدی طلیبان افغانیون در بلژیک خبر می‌دهد. انتخابات پارلمانی بلژیک به تازگی بر گزار شده و فلمینش‌ها (هلندی‌زبان‌ها) با قاطعیت توانسته‌اند اکثریت کرسی‌ها را سال خود کنند. این یعنی آینده بلژیک، آینده آرام و بی‌سروصدایی نخواهد بود. فلمینش‌ها یا فلاندری‌ها خواهان استقلال هستند. آنها سه سال پیش هم اوضاع بلژیک را به آشوب کشیدند و قدرت سیاسی این کشور را در آستانه ورشکستگی و فروپاشی قرار دادند. مثل بیشتر مواقع، لیبراسیون کاریکاتور رئیس‌جمهور راستگرا را در صفحه اول خود کار کرده است. سارکوزی مشغول آمادگی برای دور دوم ریاست‌جمهوری است و می‌خواهد این بار هم همچ چپگرا را بخواهند. ماشین سارکوزی راه افتاده و در حال برگماره‌ریزی است.